



دوماهنامه علمی بین‌المللی

۱۲، ۲ (پیاپی ۶۲) خرداد و تیر ۱۴۰۰، صص ۱۸۵ - ۲۳۰

مقاله پژوهشی

## بررسی تطبیقی مطالعات سبک نوشتار زنانه و تأثیر جنسیت بر ترجمه و تألیف در ایران

نوید اعطار شرقی<sup>۱\*</sup>، فائزه نوروزعلیانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار علوم زبانی، مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲. کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱

### چکیده

مطالعات بسیاری برای بررسی تأثیر جنسیت بر زبان صورت گرفته‌اند. گروهی در این زمینه مؤلفه‌هایی برای سبک زنانه و مردانه در نظر گرفته‌اند و گروهی نیز زبان را امری غیرجنسیتی دانسته‌اند. بحث از سبک نوشتار زنانه که با نظرات کسانی همچون لیکاف قوت گرفت، برپایه تفکرات فمینیستی و پست‌مدرن شکل گرفته است.

در این مقاله، ضمن بررسی اجمالی مبانی مرتبط با زبان‌شناسی جنسیتی و طرح مختصر مؤلفه‌های لیکاف در مورد سبک نوشتار زنانه به مطالعه توصیفی - تطبیقی پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه بر روی آثار ادبی تألیفی و ترجمه‌شده در ایران می‌پردازیم و در نهایت، ۱۱ مقاله را واکاوی می‌کنیم تا به وضعیت کلی این پژوهش‌ها و نتایجشان دست یابیم.

به‌طور کلی، کاستی‌های پژوهش‌های بررسی‌شده، چه در زمینه تألیف چه در زمینه ترجمه، در ایران عبارت‌اند از: میدانی بودن محض نتایج تحقیقات، نبود یا ضعف در تحلیل‌های مبتنی بر نظریات اجتماعی و روان‌شناختی و فرهنگی و نیز غیرقابل تعمیم بودن آن‌ها. در خصوص پژوهش‌های مربوط به تأثیر جنسیت بر ترجمه باید افزود که تعداد پژوهش‌ها زیاد نیست و به برخی نکته‌ها توجه نشده یا روش کار نامناسب بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌شناسی جنسیتی، زبان‌شناسی فمینیستی، سبک نوشتار زنانه، تأثیر جنسیت بر تألیف، تأثیر جنسیت بر ترجمه، ترجمه زنانه.

## ۱. مقدمه

زنان و مردان از نظر زیست‌شناختی با هم متفاوت‌اند و این مسئله بر فرایندهای فکری، احساسی، زبانی و دیدگاه کلی آن‌ها تأثیرگذار است. از آنجا که زبان با نگرش‌های اجتماعی در ارتباط است می‌توان نتیجه گرفت که افراد با نگرش‌های مختلف، کارکردهای زبانی یا گفتمانی متفاوتی دارند. تفاوت در نگرش‌های اجتماعی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، تحصیلات، سن و جنسیت روی می‌دهد و بدین سبب با ورود زنان به عرصه داستان‌نویسی شاهد گفتمان جدیدی می‌شویم که آن را «نوشتار زنانه» می‌نامند.

پس از گسترش عقاید فمینیستی در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ و ظهور زبان‌شناسی فمینیستی<sup>۱</sup> و زبان‌شناسی جنسیتی<sup>۲</sup>، زنان بیشتر و بیشتر پا به عرصه نویسندگی گذاشته، از تجربیات، مسائل و دل‌مشغولی‌هایشان سخن به میان آوردند. البته، به دلیل موقعیت نازل‌تر زنان در جامعه و نیز پس زدن فرهنگ مردسالار موجود، بسیاری از نویسندگان زن سبک و گفتمانی متفاوت را در پیش گرفتند.

ما در این مقاله برآنیم تا با مروری بر مطالعات صورت‌گرفته در زمینه نقش جنسیت در نوشتار و ترجمه زنانه و بررسی ۱۱ مقاله منتشرشده در این حوزه جواب پرسش‌هایی را که آورده می‌شود دریابیم:

۱. چه مؤلفه‌هایی در پژوهش‌های سبک زنانه اعم از تألیف و ترجمه در ایران بررسی شده است؟

۲. کاستی‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران چیست؟

۳. آیا تحقیقات انجام‌شده درخصوص ترجمه در ایران بیانگر تأثیر جنسیت مترجم بر ترجمه‌اش هستند؟

در واقع، قصد داریم تا با بررسی تعدادی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه چشم‌اندازی از وضعیت کلی پژوهش‌های سبک نوشتار زنانه و مؤلفه‌های مورد بررسی در حوزه تألیف و ترجمه در ایران به دست آوریم.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که پژوهش‌ها بیشتر به ارائه آماره‌ای میدانی از تعدادی از مؤلفه‌های شناخته‌شده در این زمینه منتهی شده‌اند و با وجود تلاش پژوهشگران متأخر، نقش

تحلیل‌های عمیق و موشکافانه مبتنی بر نظریه‌های معتبر اجتماعی - فرهنگی - روان‌شناختی در این تحقیقات کم‌رنگ است و لذا، چندان قابل تعمیم نیستند. درخصوص تأثیر جنسیت بر ترجمه نیز پژوهش‌های کم‌تعدادی صورت گرفته است که گاهی از نظر روش‌شناختی مناسب نبوده‌اند یا در آن‌ها به برخی نکته‌ها توجه نشده است و جای خالی پژوهش‌های گسترده در این زمینه احساس می‌شود.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. تفاوت‌های زیست‌شناختی مردان و زنان

پندارهای متفاوتی در مورد تفاوت‌های زبانی زنان و مردان وجود دارد، مثلاً اینکه زنان پرحرف‌ترند و احساسی‌تر صحبت می‌کنند و مردان خشن‌تر و آمرانه‌تر و بیشتر از اصطلاحات استفاده می‌کنند، اما تحقیقات تمامی این پندارها را تأیید نمی‌کند. بدیهی است که مغز زنان و مردان از نظر زیست‌شناختی متفاوت است و این مسئله می‌تواند بر فرایندهای عاطفی، ادراکی و زبانی و در نتیجه نوشتاری تأثیر داشته باشد.

تفاوت کروموزومی و در نتیجه سلولی زنان و مردان سبب تمایزاتی می‌شود. برخی صحبت از مغز زنانه و مردانه می‌کنند. به بیان شعبی (۱۳۹۲) ارتباطات بین دو نیمکره چپ و راست در مغز زنان ۱۵ درصد بیشتر از مردان است. این امر سبب تقویت مهارت گفتاری زنان می‌شود. زنان ادراک جزئی و مردها ادراک کلی دارند. زنان تمامی محرک‌های صوتی را می‌شنوند و متوجه آهنگ‌های ظریف صدا و حالت‌های چهره و احساسات و اندیشه‌های پشت این حالت‌ها می‌شوند. در تشخیص رنگ‌ها و درک اندازه‌ها، بسیار برتر هستند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را بسیار بهتر درک می‌کنند (همان، صص. ۵، ۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵).

یکی از ویژگی‌های جنسیتی در زنان و مردان تفاوت هورمون‌های مردانه و زنانه است. بین هورمون‌های جنسی و مغز، نوعی تعامل برقرار است. تستوسترون در تمرکز فکر اثر دارد، از خستگی می‌کاهد و ادامه فعالیت‌ها و اجرای کارها را آسان می‌کند. [...] استروژن در زندگی زن نقش اساسی دارد، بیش از ۳۰۰ بافت مختلف بدن زن برای آن گیرنده دارد و کمبود آن با تغییرات فیزیکی شدیدی همراه است (حسینی، ۱۳۷۹).

هرچند ویژگی‌های فردی و محیطی نباید نادیده گرفته شود، اما بسیاری از متخصصان

معتقدند که دختران از همان ابتدای کودکی نسبت به پسران برتری کلامی دارند. زنان در خواندن، نوشتن، صحبت کردن و بیان احساسات و ارتباطات کلامی از مردان قوی‌ترند. دلیل این است که مراکز کنترل‌کننده تکلم و دستور زبان در زنان در بخش قدامی نیمکرهٔ چپ متمرکز است و با مراکز احساسات رابطهٔ تنگاتنگی دارد، در نتیجه مستلزم به‌کارگیری انرژی مغزی کم‌تری برای بیان احساسات است، در حالی که این مراکز در مردان در بخش قدامی و خلفی نیمکرهٔ چپ پراکنده‌اند و پردازش داده‌های احساسی در مردان نیازمند تحمل فشار بیشتر مغزی است (ارفع و جزایری، ۱۳۹۲، صص. ۴۳ - ۴۴).

همهٔ این موارد می‌تواند بیانگر تفاوت زنان و مردان از نظر بینش کلی به جریانات زندگی، تمرکز و پرداخت به جزئیات و به‌کارگیری ساختارهای زبانی در نوشتار باشد که در انتخاب موضوع، سبک نوشتن، نحوهٔ پردازش، کاربرد واژگان، توصیف فضاها و قهرمانان، پی‌رنگ داستان و ... در یک اثر ادبی نوشتاری زنانه تأثیرگذار است.

## ۲-۲. پیدایش سبک نوشتار زنانه

سبک نوشتار زنانه، بعد از موج دوم فمینیسم و برپایهٔ تفکرات افرادی همچون ژاکلاکان<sup>۲</sup>، لوس‌ایریگاری<sup>۳</sup>، ژولیا کریستوا<sup>۴</sup>، ژان بودریار<sup>۵</sup>، فرانسوا لیوتار<sup>۶</sup>، ال‌سیکسو<sup>۷</sup> و ژیل‌دلوز<sup>۸</sup> - که از پایه‌گذاران تفکر پست‌مدرن هستند - برپا شده است. فمینیست‌های پسامدرن نظام علمی، فرهنگی، فکری و زبانی موجود را مردانه یا به عبارت بهتر، مردسالارانه می‌انگاشتند و سعی در ساختارشکنی این نظام‌ها، احقاق حقوق و کسب آزادی و برابری همه‌جانبه برای زنان داشتند.

به‌طور کل در مطالعات ادبی فمینیستی دو رویکرد اصلی دیده می‌شود. رویکرد اول مبتنی است بر تبیین ماهیت مردسالارانه دیدگاه‌های رایج و فرضیهٔ «وانمایی». بنابراین، فرضیهٔ شرایط حقیقی زنان در متون ادبی بازتاب پیدا نمی‌کند. هدف از این دست وانمایی‌ها نیز توجیه انقیاد اقتصادی و اجتماعی زنان است. در دههٔ ۱۹۶۰ توجه منتقدان فمینیست همچون شوالتر و همکاران به حذف آثار نویسندگان زن از حیطهٔ بررسی ادبی، سبب تکوین رویکردی دیگر شد: «نقد زن محور<sup>۹</sup>» یا «نقد وضعی زنان» یا به اصطلاح ال‌نشوالتر «نقد زنانه» که به

مطالعه مؤلفه‌های فرمی و محتوایی در ادبیات زنانه و «زنانگی در نوشتار» می‌پردازد (حسن‌زاده دستجردی و موسوی راد، ۱۳۹۳، صص. ۵۲ - ۵۳).

ال‌سیکسو در سال ۱۹۷۵ خنده مدوسا<sup>۱۱</sup> را در مجله آرک<sup>۱۲</sup> منتشر کرد، جستاری که در آن اصطلاح «نوشتار زنانه» را مطرح کرد (Fauvrelle-Pomeon, p. 183). به عقیده وی زنان باید خود را بنویسند، احساس خود، جسم خود، جنسیت خود و در این حالت زبان و ساختارهای زبانی آن‌ها نیز متمایز خواهد بود. پژوهش‌ها درباره زبان و جنسیت در ابتدا معطوف به بررسی تأثیر متغیر جنسیت در رفتار کلامی افراد در سطح آوایی و شیوه‌های تعاملی بودند. کتاب *زبان و جایگاه زنان*<sup>۱۳</sup> نوشته لیکاف<sup>۱۴</sup> (۱۹۷۵) تحولی در مطالعات زبان جنسیت ایجاد کرد و با برشمردن ویژگی‌های واژگانی، نحوی و کاربردی، پژوهش‌ها را که تا پیش از آن صرفاً بر رفتار کلامی افراد در سطح آوایی متمرکز بودند، گسترش داد (مرادی و بحرانی، ۱۳۹۴، ص. ۸۵). لیکاف معتقد است که زبان مردان بی‌نشان است، در حالی که زنان به دلیل جایگاه فروتر و نابرابری در موقعیت‌ها و نقش‌های اجتماعی و تسلط مردان، دارای زبانی نشان‌دار و تابع و گفتمانی عاری از قدرت و قاطعیت هستند. براساس این رویکرد زبان در شکل کنونی‌اش مردانه و مردسالار است و زنانگی را در خود سرکوب کرده، به حاشیه رانده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۱؛ نیکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۳). لیکاف، در کتاب *قدرت گفت‌وگو*<sup>۱۵</sup> (1990) ۱۴ مشخصه گفتار زنانه را ذکر می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۱، صص. ۳۹۸ - ۳۹۹) وی بیان می‌کند که زنان:

۱. نکته‌های آوایی را با دقت کمتری به کار می‌برند.
۲. گستره لحن و آهنگشان تنوع بیشتری دارد.
۳. کاربرد حسن تعبیر و کلمه‌های مصغر نزد آن‌ها بیشتر است.
۴. بیشتر از قید و صفت (صورت‌های زبانی بیانگر عواطف) استفاده می‌کنند و اسم و فعل (صورت‌های زبانی بیانگر دلالت عقلی) را کمتر به کار می‌برند.
۵. صورت‌های غیرصریح و مبهم را بیشتر به کار می‌برند.
۶. از دادن پاسخ صریح بیشتر طفره می‌روند.
۷. الگوهای آوایی شبیه به پرسش دارند که بیانگر شک و تردیدند یا نیاز به تأیید دارند.

۸. صدای جان‌دارتری دارند.
۹. حجب و ادب زنان در سخن گفتن بیشتر است.
۱۰. خود را به عقیده‌ای واحد متعهد نمی‌کنند.
۱۱. تمایلی به تکمیل بحث ندارند و بیشتر به قطع شدن کلامشان در گفت‌وگو از سوی مخاطب علاقه‌مندند.
۱۲. سبک ارتباطی مبتنی بر هم‌گرایی و هم‌دلی را بیش از مجادله و رقابت و مباحثه می‌پسندند.
۱۳. بیشتر از عوامل غیرزبانی (استفاده از اعضای بدن، لحن، آهنگ) استفاده می‌کنند.
۱۴. دستور زبان درست‌تری را به‌کار می‌برند و کم‌تر از عبارات عامه استفاده می‌کنند.
- فتوحی (۱۳۹۱، صص. ۴۰۴ - ۴۱۲) با تمایز مسئله زبان و جنسیت از ماهیت ادبیات زنانه یا همان زنانه‌نویسی، پنج سطح زبانی برای ویژگی‌های سخن زنانه بیان می‌کند: لایه آوایی (تأکید بر اثرات لحن و آوای کلام در زنان بیش از مردان است و نوشتار زنان معمولاً حاوی لحنی عاطفی و تأکیدات نرم است)، لایه واژگانی (استفاده از برخی واژگان نزد زنان متداول‌تر است. همچنین، گستره واژگانی مورد استفاده زنان بیشتر است، زیرا از آن برای توصیفات دقیق‌تر و جزئی‌تر بهره می‌برند)، لایه نحوی (نوع جمله‌های نویسندگان زن و مرد یکی است و تفاوت در میزان کاربرد آنهاست. زنان معمولاً جمله‌های ساده‌تری به‌کار می‌برند)، لایه بلاغی (زنان معمولاً گفتاری کنایی‌تر دارند و معانی ضمنی زیادی در آثارشان دیده می‌شود) و لایه کاربردی (زنان معمولاً گونه مؤدبانه‌تری از زبان را به‌کار برده‌اند، درمقابل، مردان از گونه نامعتبر زبان بیشتر استفاده می‌کنند).
- البته، تفکیک نوشتار به زنانه - مردانه کاملاً مورد قبول همه زبان‌شناسان نیست. طاهری (۱۳۸۸، ص. ۹۸) برای نظریه یا شیوه نوشتار زنانه، بنیان علمی قائل نیست، زیرا به بیان خود سیکسو، «ارائه تعریف از شیوه نوشتار زنانه امکان‌پذیر نیست... و در نتیجه این شیوه هرگز تئوریزه، تعریف و کدبندی نمی‌شود». در عوض، طاهری، به سبک نوشتاری زنانه باور دارد که ناشی از دیدگاه، تجربیات و شیوه بیان زنان است (همان، ص. ۱۰۲). فتوحی (۱۳۹۱)، جنس و جنسیت را از هم متمایز می‌کند و از کاربرد اصطلاح «گویش جنسیتی»<sup>۱۶</sup> در

زبان‌شناسی برای بیان تفاوت زبان زنانه و مردانه می‌گوید. همچنین، وی توضیح می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در زبان امری فرهنگی است و تهیه فهرستی از واژگان و ساختارهای زنانه یا مردانه امکان‌پذیر نیست، به‌ویژه در زبان فارسی که خلاف خیلی از زبان‌های دیگر جنسیت دستوری وجود ندارد. وی بیان می‌دارد که سازه‌های زبانی خاصی (در سطوح آوایی، تعبیر و صورت‌های نحوی) وجود دارند که بیشتر از سوی زنان به‌کار می‌روند و به‌نوعی زنانه هستند (همان، صص. ۳۹۵ - ۴۰۰).

نکته مهم این است که میان یک اثر که به سبک زنانه نوشته شده است و یک اثر زن‌نویست تفاوت وجود دارد: سبک نوشتار زنانه در ستیز با سلطه مردانه می‌کوشد تا حقوق تضییع‌شده زنان را بازیس گیرد و مؤلفه‌های خاص خود را دارد. حال آنکه هر اثری که به دست یک زن نگاشته شود زن‌نویست تلقی می‌شود، در حالی که یک مرد نیز می‌تواند به سبک زنانه بنویسد، مسئله‌ای که موضوع پایان‌نامه سرایلو (۱۳۹۶) با عنوان *بررسی تطبیقی سبک زنانه در آثار داستانی غاده‌السمان و زویا پیرزاد* قرار گرفت. وی نوع نوشتار زنانه را نزد آثار این دو نویسنده بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آثار غاده‌السمان متعلق به سنت ادبی مؤنث (female) و داستان‌های پیرزاد متعلق به سنت ادبی فمینیسم (feminism) است. نیکوخت و همکارانش (۱۳۹۱، ص. ۱۲۳) گی‌دوموپاسان، گوستاو فلوبر، جیمزجویس، ارنست همینگوی و مارسل پروست و در زبان فارسی جلال آل احمد، محسن مخملباف و جعفر مدرس صادقی را نویسندگانی معرفی می‌کنند که به سبک زنانه نوشته‌اند.

### ۳. پیشینه پژوهش

همانند هر جنبش اجتماعی، فمینیسم نیز فراز و نشیب خاص خود را دارد. نخستین نمودهای فمینیسم را می‌توان در اشعار سافو<sup>۱۷</sup> شاعره یونانی سده هفتم پیش از میلاد دید. کریستین دوپیزان<sup>۱۸</sup> شاعر و فیلسوف فرانسوی (۱۳۶۴ - ۱۴۳۰م) نیز این شیوه را ادامه داد. از قرن پانزدهم میلادی تعدادی از زنان و مردان در دفاع از جنس زن و با تصور برابری زن و مرد دست به قلم بردند. ویرجینیا وولف<sup>۱۹</sup> با کتاب *اتاقی از آن خود*<sup>۲۰</sup> (1919) پیشاهنگ نقد فمینیستی در قرن بیستم بود. وی معتقد بود که تمامی ساختارهای سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و ادبی جامعه از سوی مردان تعریف شده و در سیطره آن‌هاست و هم آن‌ها هستند که زن بودن را تعریف می‌کنند. بعد از جنگ دوم جهانی، سیمون دو بووار<sup>۲۱</sup> با انتشار کتاب جنس روم<sup>۲۲</sup> جانی دوباره به جنبش فمینیست بخشید. ال‌سیکسو در سال ۱۹۷۰ مرکز مطالعات زنان را در دانشگاه پاریس ۳ بنا نهاد که آن را جایگاه فمینیسم فرانسوی دانسته‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم نظریه نوشتار زنانه با انتشار جستار خنده مدوسا از سوی این اندیشمند مطرح شد. کتاب *زبانی از آن خودشان*<sup>۲۳</sup> (۱۹۷۷) به قلم ال‌نشوالتر<sup>۲۴</sup> آمریکایی از دیگر آثار بزرگ این حوزه است. شوالتر با تأثیرپذیری از سیکسو و با مطرح کردن مفاهیم نقد زن محور و زیبایی‌شناسی زنانه و با به‌کارگیری چهار رویکرد زیست‌شناختی، زبان‌شناختی، روان‌شناختی و فرهنگی به تحلیل متون زن نوشت و تبیین تمایز آن‌ها می‌پردازد. ژولیا کریستوا و لوس ایریگاری نیز از نویسندگانی هستند که آثارشان تأثیر زیادی بر فمینیسم جهانی و تبیین نوشتار زنانه داشته است (طلائی و طلائی، ۱۳۹۷، صص. ۴۳۴ - ۴۴۰؛ Fauvrelle-Pomeon, 2019, p. 184). سرایلو (۱۳۹۶، ص. ۵) *زبان و قدرت*<sup>۲۵</sup> اثر نورمن فرکلاف<sup>۲۶</sup> و *الگوهای زبان‌شناسی اجتماعی*<sup>۲۷</sup> از لباو<sup>۲۸</sup> را نیز از آثار مطرح زبان‌شناسی جنسیتی برمی‌شمارد.

فتوحی (۱۳۹۱، صص. ۱۸۵، ۳۹۵) سارامیلز<sup>۲۹</sup> و دیردره‌برتون<sup>۳۰</sup> را دو بانویی معرفی می‌کند که برای اولین بار سبک‌شناسی فمینیستی را مطرح کردند. می‌توان این سبک‌شناسی را که در واقع، خوانش اجتماعی متن است، شیوه‌ای از تحلیل دانست که در جست‌وجوی روشی برای تبیین نوشتار زنانه از منظر حقوق و باورهای زنانه است، اما همان‌طور که بیان شد نقطه عطف پژوهش‌های جنسیتی و زنانه ادبی، انتشار کتاب *زبان و جایگاه زنان* از سوی لیکاف در سال ۱۹۷۵ بود.

در ایران نیز مانند سایر کشورها عقاید، قالب‌ها و قوانین مردانه بر روند شکل‌گیری امور متفاوت از جمله ادبیات مستولی بوده است. به بیان آقاجری و همکاران (۱۳۹۸) به‌نقل از شیخ‌الاسلامی، (۱۳۵۱، ص. ۱) تاریخ ایران را نیز مثل هر سرزمینی مردان می‌سازند و متون



را نیز مردان می‌نویسند. این پژوهشگران از قول (نجم‌آبادی، ۱۹۹۵) حضور زنان ایرانی در جامعه را با حضور زن در فرهنگ مکتوب در دوران تحولات مشروطه هم‌زمان می‌دانند. پس از ظهور داستان‌نویسی مدرن و نویسندگان زن در ایران، پژوهشگران زیادی به بررسی روند تکوین ادبیات زنانه و نقد آن در ایران پرداخته‌اند. از نظر خیاطان (۱۳۹۷)، داستان‌نویسی زنان در ایران به قبل از دانشور بازمی‌گردد. به گفته خیاطان، اولین بار دختر ناصرالدین شاه داستان‌هایی را که به طور شفاهی برای پدرش نقل می‌شد به رشته تحریر درآورد و بدین ترتیب «امیرارسلان نامدار» اولین داستانی است که در زبان فارسی توسط یک زن نوشته شد. تاج‌السلطنه، دختر دیگر ناصرالدین‌شاه هم به‌منزله زنی که درکش فراتر از زنان پیرامونش بود، خاطراتش را نوشته است. بدین ترتیب، زنان درباری و زنان خانواده‌های ممتاز جامعه اولین کسانی بودند که به دلیل امکان تحصیل و اعتمادبه‌نفس بیشتر شانس نوشتن داشتند.

به بیان قاسم‌زاده و علی‌اکبری (۱۳۹۵)، به نقل از پاینده، ۱۳۸۲؛ میرعابدینی، ۱۳۷۲)، اولین رمان‌نویس زن فارسی‌زبان ایرانی سیمین دانشور است که رمان *سووشون* (۱۳۴۸) را پس از انتشار اولین مجموعه داستان کوتاه زنان با عنوان *شهری چون بهشت* (۱۳۲۷) منتشر کرد. البته، پیش از این امینه پاکروان رمان‌هایی را به زبان فرانسوی در فرانسه منتشر کرده بود. با این حال جریان‌سازی نوشتار رمان زنانه و بازتعریف هویت زنان با رمان دانشور صورت می‌گیرد. این جریان سبب ظهور روبه‌رشد نویسندگانی چون ترقی، پاریسی‌پور، روانی‌پور، علیزاده، آقایی و مولوی شد. البته، کاربرد الفاظ «جریان‌سازی رمان زنانه» و «بازتعریف هویت زنان» از سوی قاسم‌زاده و همکارش می‌تواند این سوءتفاهم را به وجود آورد که هر متن زن‌نوشته با هدف «بازنمایی هویت زنانه و احقاق حقوق از دست‌رفته زنان» نگاشته می‌شود. این گمان که به صورت یکی از بدیهیات زبان‌شناسی جنسیتی درآمده، فرض درستی نیست و مانعی است در برابر تکامل پژوهش‌های این حوزه.

پژوهش‌های زیادی در خصوص نوشتار زنانه، چه از منظر میانی نظری و سبک‌شناختی و چه از منظر نقد کاربردی آثار ادبی، در ایران صورت گرفته است. یحیی مدرسی در کتاب *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان* (۱۳۶۸)، به تحلیل مسائل مربوط به جامعه و زبان از جمله جنسیت می‌پردازد و به الگوهای زبانی زنان و مردان و تفاوت‌های اجتماعی آن‌ها و نیز

اختلافات جنسیتی زبان‌های مختلف اشاره می‌کند (به‌نقل از داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷). سبک نوشتار زنانه در کتاب *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* تألیف فتوحی (۱۳۹۱) نیز بررسی شده است. در جدول شماره ۱ تعدادی از تألیفات، ترجمه‌ها و پژوهش‌ها در زمینه سبک نوشتار زنانه در ایران معرفی شده‌اند.

جدول ۱: فهرست تعدادی از پژوهش‌ها در خصوص سبک نوشتار زنانه

Table 1: List of some researches on feminine writing style

کتاب
زبان و جنسیت در رمان: تکیه بر سووشون، خانه ادیسی‌ها، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، شوهر آهو خانم، شازده احتجاب، همسایه‌ها (نجفی عرب، ۱۳۹۴) // نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی (یعقوبی، ۱۳۹۳) // سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (فتوحی رود معینی، ۱۳۹۱) // درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان (مدرسی، ۱۳۹۰) // زن از نگاه دو زن: نقد تطبیقی آثار دو نویسنده زن (علا، ۱۳۸۹) // جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی (محمدی اصل، ۱۳۸۹) // مبانی سبک‌شناسی (وردانک ترجمه غفاری، ۱۳۸۹) // زنان در داستان: قهرمانان زن در داستان‌های زنان داستان‌نویس ایران (باقری، ۱۳۸۷) // گفت‌وگو (میلز): ترجمه محمدی، ۱۳۸۲) // فرادستی و فرودستی در زبان (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱) // جنس دوم (دوبوآر ترجمه صنعوی، ۱۳۷۹)
پایان‌نامه
تصویر زنان معاصر در آثار زویا پیرزاد و کاترین پانکول (ترجمان شکوه، ۱۳۹۷) (به زبان فرانسوی) // بررسی تطبیقی سبک زنانه در آثار داستانی غاده السمان و زویا پیرزاد (سرایلو، ۱۳۹۶) // نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر (خوشقدم یونسی، ۱۳۹۵) // مقایسه زبان مردانه و زنانه در رمان‌های شوهر آهو خانم (افغانی) و شب‌های تهران (علیزاده) (مروی، ۱۳۹۱):
مقاله
بررسی سبک زنانه در رمان کوچه اقاچیا (نوشته راضیه تجار) (عرب یوسف آبادی و کلبعلی، ۱۳۹۷) // تحلیل جایگاه زن در آثار غزاله علیزاده (بعدازتابستان، دومنظره، خانه‌ادیسی‌ها، شب‌های تهران) (محمودی و حیدری، ۱۳۹۷) // بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی الن‌شواتر در رمان نقره‌دختردریای کابل اثر حمیرا قادری (طلائی و طلائی، ۱۳۹۷) // زنانگی نوشتار: دیباچه‌ای بر روش‌شناسی نسبت زبان و جنسیت (برکت، ۱۳۹۶)، تحلیل متغیر جنسیت در گفت‌وگو غالب نویسندگان زن ایرانی بر اساس الگوی زبانی سارا میلز (مطالعه موردی رمان‌های عادت می‌کنیم، انگار گفته بودی لیلی و پرند من) (سراج، ۱۳۹۶) // زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی "کاغذ دیواری زرد" (هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی، ۱۳۹۶) // بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های "خشونت علیه زنان" در داستان‌های "دختر غبار" نوشته وندی ولس و "کولی کنار آتش" نوشته منیرو روانی‌پور (اسداللهی، صلاحی -

مقدم و حسینی، ۱۳۹۶) /// بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان (تقدمی نوغانی و عزتی، ۱۳۹۵) /// مولفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من (قاسم زاده و علی اکبری، ۱۳۹۵) /// بررسی زبان نوشتاری زنان بر اساس نظریه گفتمان جنسیتی (طالبیان و همکاران، ۱۳۹۵) /// بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان بامداد خمار و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (قربانپور و اشکیوس ویشکایی، ۱۳۹۵) /// سبک زبان زنانه در خاطرات تاج‌السلطنه (رضوی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۴) /// بررسی جایگاه زن در آثار سیمین دانشور، فرشته مولوی و راضیه تجار (جمالی و سجادی، ۱۳۹۴) /// چگونگی تأثیر جنسیت بر ادبیات (کراچی، ۱۳۹۴) /// کاربرد زبان معیار و عامیانه در شوهر آهو خانم از منظر زبان و جنسیت (نجفی عرب و حسنی رنجبر، ۱۳۹۴) /// تحلیل دو رمان پرند من و ماهی‌ها در شب می‌خوابند بر اساس مولفه‌های نوشتار زنانه (حسن‌زاده- دستجردی و موسوی‌راد، ۱۳۹۳) /// خوانش تطبیقی دو رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و دفترچه ممنوع بر اساس نظریه «مونث‌نگری در نوشتار زنانه» (سلیمی کوچی و شفیعی، ۱۳۹۳) /// سنت نوشتاری زنان: مطالعه موردی دو نسل از نویسندگان زن ایرانی: سیمین دانشور و زویا پیرزاد (پاک‌نیا و جانفدا، ۱۳۹۳) /// تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های فرهنگی- جنسیتی بر ترجمه (شریفی‌فر و زند، ۱۳۹۲) /// تحلیل ویژگی‌های نوشتار زنانه جنگ در رمان غار فروریخته اثر یمینه مشاکرا (علوی و رضوان‌طلب، ۱۳۹۲) /// رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲) /// تجلی نوشتار زنانه در کتاب دا (نیک‌منش و برجی‌خانی، ۱۳۹۲) /// سیر ادبیات زنان در ایران از ابتدای مشروطه تا پایان دهه هشتاد (غلامحسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) /// روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱) /// نقش تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت ترجمه: بررسی سبک نگارش مترجمان زن و مرد (رضوانی و احمدیان، ۱۳۸۹) /// نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه (منافی اناری و قدرتی، ۱۳۸۸) /// نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور (حسن لی و سالاری، ۱۳۸۶)

داوری اردکانی و عیار، در سال ۱۳۸۷ پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران را در حوزه

زبان‌شناسی جنسیتی تا آن زمان بررسی کردند و ایراداتی بر آن‌ها قائل شدند:

مفهوم جنسیت یک مفهوم ایستا نیست. این مفهوم را باید در طیفی که یک سر آن جنسیت زیست‌شناختی و سر دیگر آن جنسیت فرهنگی است، مشاهده کرد و بنابراین، لازم است که این مفهوم را در هر بافت، هر جامعه زبانی و حتی هر گروه اجتماعی دوباره تعریف کرد (داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۵).

البته، اشکالات و کمبودهای موجود در تحقیقات ارائه‌شده سبب محدود شدن پژوهش‌ها و درنظر نگرفتن نظریه‌های مطرح در این زمینه بوده است، چیزی که داوری اردکانی و عیار دلایلش را بدین شرح بیان می‌کنند:

- نبود تعریفی دقیق از مفهوم جنسیت؛

- اکتفا به آمار مربوط به مطالعات میدانی و در نتیجه عدم قابلیت تعمیم نتایج؛
- عدم به‌کارگیری نظریه‌های اجتماعی مرتبط و در نتیجه فقدان تحلیل اجتماعی؛
- بررسی از منظر جنسیت زیست‌شناختی و عدم توجه به جنبه‌های فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی؛
- بیشتر تحقیقات در زبان انگلیسی صورت گرفته و مطالعات در زبان‌های دیگر نیز به پیروی از آن‌ها بوده و هیچ‌گونه بومی‌سازی انجام نشده است؛
- در تحلیل‌های صورت‌گرفته فرض بر هنجار بودن رفتار زبانی مردانه است، تفکری که فمینیست‌ها نیز گرفتار آن هستند (همان، صص. ۱۷۴ - ۱۷۷).
- نرجس رودگر (۱۳۸۸) در کتاب *فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد*، به بیان تاریخ پیدایش، گرایش‌ها و آموزه‌های فمینیسم (همچون خانواده، مادری، برابری، تفاوت و معرفت‌شناسی) می‌پردازد و فمینیسم لیبرال، مارکسیستی، رادیکال، سوسیالیستی و پسامردن را به‌منزله گرایش‌های این جنبش اجتماعی برمی‌شمارد (همان‌جا).
- اعطار شرقی و نوروز علیانی (۱۳۹۸) ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبکی نوشتار زنانه را از نظر فرم و محتوا طبقه‌بندی می‌کنند. جدول شماره ۲ برگرفته از توضیحات آن‌هاست.

## جدول ۲: ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه

Table 2: Features of feminine writing style

لغتنامه‌ی زنانه: رفتارهای خاص (گل‌آرایی)، مشاغل خاص (آموزگار مدرسه‌ی ابتدایی)	سطح واژه	از نظر صورتی (فرم):
استفاده‌ی کمتر از: دشواژه‌ها و تعابیر بی‌ادبانه و اصطلاحات جنسی		
استفاده‌ی بیشتر از: رنگواژه‌ها، واژه‌های عاطفی (نفرین‌ها، تکیه کلام‌های زنانه)، سوگندواژه‌ها		
استفاده بیشتر از: تعدیل‌کننده‌ها و تعدیل‌نماها (شاید، احتمالاً، بنظر...): پرسش‌های ضمیمه‌ای کوتاه؛ تشدید کننده‌ها (خیلی، یک‌عالمه...)	سطح جمله	
جملات توصیفی بیشتر و توجه به جزئیات /// جملات کوتاه‌تر و ساده‌نویسی /// جملات پرسشی بیشتر /// استفاده از نقل قول مستقیم ...		
در گفتار: حرکات دست و سر و لحن آهنگ کلام و سکوت در گفتار	عوامل	

فرانزبانی	از نظر محتوا
در نوشتار: استفاده از سه نقطه و خط تیره برجسته ساختن ارزش‌های زنانه // مبارزه با مردسالاری // به تصویر کشیدن زنان توانا و نقصان مردان // به تصویر کشیدن حذف زنان از سوی مردان // استفاده از فرم روایی جریان سیال ذهن // انتخاب مکان‌های زنانه مانند آشپزخانه // گفتار چند صدایی به منظور خنثی‌سازی دیدگاه تک‌صدا و استبدادی مردان // تغییر جایگاه زن از آبرگی به سوژگی // زاویه دید زنانه ...	انتخاب موضوعات ویژه:

از منظر ادبیات تطبیقی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است:

ترجمان پرشکوه در رسالهٔ دکتری خود با عنوان *تصویر زنان معاصر در آثار زویا پیرزاد و کاترین پانکول*، به مقایسهٔ ویژگی‌های فمینیستی در آثار آن‌ها می‌پردازد و بیان می‌کند که نقد فمینیستی نخست بر تصاویر زن در نوشته‌های مردان متمرکز بود، این نقد که بعد از موج دوم فمینیست شکل گرفت کم‌کم با آرای شوالتر جنبهٔ دیگری پیدا کرد و نقد ادبی فمینیست و سبک نوشتاری زنان پدید آمد. وی می‌افزاید که زنان در فرانسه تقریباً یک قرن زودتر از زنان ایرانی به جایگاه اجتماعی رسیدند، اما این جایگاه زنان فرانسوی را راضی نکرده است، زیرا نابرابری جنسیتی هنوز باقی است. محقق در این بررسی تطبیقی با اشاره به فرهنگ‌های مختلف مخاطبان پیرزاد و پانکول، بیان می‌کند که هر دوی این نویسندگان زن بر زنان شکننده‌تر همچون مادران مطلقه (آرزو و جوزفین)، زنان جوان جداشده (لیلا، مهنان، سیمین و ایریس)، بیوه‌ها (ماه‌منیر و هانریت) و... متمرکز شده‌اند و نگاه مردان به زنان و بالعکس را بررسی می‌کنند (Tarjoman Porshkoh, 2018, pp. 61, 387).

پژوهش تطبیقی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، عبارت است از «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت علیه زنان در داستان‌های دختر غبار نوشتهٔ وندی ولس و کولی کنار آتش، نوشتهٔ منیرو روانی‌پور» که از سوی مائده اسداللهی و همکارانش انجام شده است. وندی ولس در کتابش به روایت زندگی لیلا (دختری پرورشگاهی در کشور سودان) از کودکی تا میان‌سالی می‌پردازد و روانی‌پور نیز زندگی دختری کولی را در جنوب ایران به‌نام آینه به تصویر می‌کشد. گردآوندگان این مقاله با تطبیق دو داستان «دختر غبار» و «کولی کنار آتش» دریافتند که در بازنمایی انواع خشونت علیه زنان از مصادیقی یکسان استفاده شده است. برای مثال، وندی ولس و منیرو روانی‌پور هر دو به‌طور غیرمستقیم دلایل استمرار به

پدیده خشونت علیه زنان انتقاد کردند (اسداللهی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳).

در ادامه بحث به بررسی ۱۱ پژوهش نقد کاربردی نوشتار زنانه می‌پردازیم. ویژگی و نوآوری پژوهش حاضر در این است که خلاف رویه بسیاری از تحقیقات که صرفاً به صورت میدانی، برخی مؤلفه‌های سبک از پیش قطعی فرض شده نوشتار زنانه را در یک یا چند اثر می‌سنجند، به بررسی تعدادی پژوهش انجام شده در زمینه تألیف و ترجمه در ایران می‌پردازد و فراتحلیلی از وضعیت کلی این پژوهش‌ها ارائه می‌دهد.

#### ۴. شیوه پژوهش

در این پژوهش، که از نوع توصیفی - تطبیقی است، ضمن بررسی تفاوت‌های زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی مردان و زنان و مبانی نظری زبان‌شناسی جنسیتی، مروری خواهیم داشت، اجمالی و فهرست‌وار، بر پژوهش‌های مرتبط در ایران. سپس با بررسی و تلخیص ۴ پژوهش در خصوص نقش جنسیت مترجم در ترجمه و ۷ پژوهش در زمینه تألیف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبک نوشتاری زنانه بررسی شده در این پژوهش‌ها را استخراج و مقایسه می‌کنیم تا وضعیت کلی این تحقیقات و کاستی‌های موجود مشخص شود.

#### ۵. بررسی ۱۱ پژوهش انجام شده

##### ۵-۱. درخصوص ترجمه

- شریفی‌فر و زند (۱۳۹۲) در مقاله خود به بررسی ترجمه‌های دو مترجم زن، یعنی دقیقی (۱۳۸۸) و اسلامیه (۱۳۸۳) و یک مترجم مرد، یعنی حقیقت (۱۳۸۵) از کتاب مترجم در راه<sup>۳۱</sup> اثر نویسنده زن هندی - امریکایی جومپا لاهیری<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۹) پرداختند و تأثیر نگرش جنسی - فرهنگی و جنسی - زبانی آن‌ها را بر ترجمه‌هایشان براساس دیدگاه‌های لیکاف (۱۹۹۰) و فرکلاف (۱۹۹۵) بررسی کردند. پژوهشگران، بیان می‌دارند که واژه‌ها و عبارات دارای بار جنسیتی را از متن مبدا جدا کرده، با معادل‌های موجود در ترجمه‌ها (در سطح واژگانی و ارتباطی) مقایسه کردند. نویسندگان با مقابله این اثر با سه ترجمه موجود دریافتند که دو

مترجم زن در تشخیص و توصیف رنگها دقیق‌تر بوده و نیز معادل‌های مناسبی را برای صفات و قیود متن مبدا یافته‌اند. همان‌طور که تصور می‌شد مترجمان زن از استفاده از کلمه‌های زشت و ناسزا پرهیز کرده‌اند، مثلاً عبارت «What's wrong with all of you?» از سوی حقیقت «شماها چه مرگتان شده؟» ترجمه شده است، در حالی که دقیقی و اسلامیه آن را «شماها چه‌تان شده؟/ شما چه‌تون شده؟» ترجمه کرده‌اند.

یکی از داستان‌های این مجموعه «The Sexy» نام دارد که دقیقی آن را ترجمه نکرده و اسلامیه «هوس‌انگیز» را معادل آن قرار داده و از ترجمه واژگان دارای بار جنسیتی خودداری کرده و یا آن‌ها را مطابق با فرهنگ زبان مقصد معادل‌سازی کرده، در حالی که حقیقت تمامی کلمه‌ها و عبارت‌ها این داستان را ترجمه کرده است. وی کلمه «جذاب» را برای «The Sexy» به‌کار برده است. شریفی‌فر و زند در پایان با اشاره به وفاداری مترجمان زن به متن و انتخاب معادل‌های دقیق و زیبا، دلیل حذف یا سانسور برخی کلمه‌ها و عبارت‌ها از سوی آن‌ها را تابوهای جامعه می‌دانند.

• هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نقش جنسیت مترجم در ترجمه را بررسی کردند. پژوهشگران با ارائه متن انگلیسی داستان کوتاه «کاغذ دیواری زرد»<sup>۳۳</sup> اثر نویسنده فمینیست امریکایی شارلوت گیلمن<sup>۳۴</sup> (1892) که در دوران اوج موج اول فمینیسم نگاشته شده بود، به ۱۵ دانشجوی زن و ۱۱ دانشجوی مرد مترجمی زبان انگلیسی، تفاوت ترجمه زنان و مردان از یک متن فمینیستی و ویژگی‌های زبان زنانه را از نظر لیکاف بررسی کردند. آن‌ها با بیان ده ویژگی بیان‌شده از سوی لیکاف به مقابله ترجمه زنان و مردان از متن مبدا پرداختند. در ارتباط با ترجمه تمام ترکیب‌های وصفی دیده شد که زنان ۷۲ درصد و مردان ۳۱ درصد از این ترکیب‌ها را ترجمه کردند. مترجمان (به استثنای دو مترجم مرد) طیف‌های رنگی را به دقت ترجمه کردند. قیدهای کمیته بسیاری در متن بودند که ۸۴ درصد زنان و ۴۱ درصد مردان آن‌ها را در زبان مقصد بازآفرینی کردند. همچنین، «کاغذ دیواری زرد» نثری ساده و قابل فهم دارد که این ویژگی در تمامی ترجمه‌ها آشکار است. ۷۰ درصد زنان و ۶۳ درصد مردان به ترجمه استرس‌های موکد موجود در متن اصلی پای‌بند بودند. هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی در پایان وفاداری به متن اصلی را برای تربیت

مترجم دارای اهمیت دانستند.

- تقدمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) در تحقیقی ۵ رمان ترجمه‌شده از سوی زنان و ۵ رمان ترجمه‌شده از سوی مردان را از منظر سبک نوشتار زنانه بررسی کردند. نویسندگان رمان‌های هر دو گروه شامل ۴ مرد و ۱ زن می‌شد. محققان پس از ارزیابی الگوهای لیکاف و فرکلاف ۱۹ متغیر را در نظر گرفته و میزان کاربرد هر متغیر را جست‌وجو کردند. برای مثال، میزان کاربرد هرزه‌گویی و توهین نزد مترجمان زن ۱ مورد و برای مردان ۱۷ مورد مشاهده شد. زنان و مردان به ترتیب ۴۵ و ۱۶ مورد رنگ‌ها را به کار بردند. میزان کاربرد درنگ‌ها نیز نزد مترجمان مرد ۴ مورد بود، در حالی که زنان ۶۱ بار درنگ را به کار بردند. زنان ۲۵ مورد از پرسش‌های غیرمستقیم و کوتاه استفاده کردند، در صورتی که مردان از این متغیر (پرسش‌های غیرمستقیم و کوتاه) اصلاً استفاده نکردند. میزان کاربرد صورتهای عاطفی در مردان ۲۵ مورد و نزد مترجمان زن ۶۰ مورد بود.

- منافی اناری و قدرتی (۱۳۸۸) با بررسی ده‌هزار واژه ابتدایی دو رمان انگلیسی غرور و تعصب<sup>۳۵</sup>، نوشته اوستن<sup>۳۶</sup> و بلندی‌های بادگیر<sup>۳۷</sup>، نوشته برونته<sup>۳۸</sup> نقش جنسیت مترجم در درستی ترجمه را مطالعه کردند. بدین منظور، پژوهشگران دو ترجمه شمس‌الملوک مصاحب و رضا رضایی از نوشته اوستن و نیز دو ترجمه از نگار غلامی‌پور و علی‌اصغر بهرام‌بیگی، نوشته برونته را بررسی کردند. نویسندگان در این بررسی، هشت مورد روش وادینگتون<sup>۳۹</sup> (2001)، یعنی وارونگی معنا، معنای نادرست، بی‌معنایی، اضافه، حذف، مراجع زبانی نادرست، کم‌معنایی و گونه زبانی نامناسب (سیاق، سبک، گویش و ...) را که در ارتباط با صحت ترجمه است، استفاده کردند. آن‌ها برای متن اول در مجموع ۶۲۸ مورد (از مجموع هشت مورد بیان‌شده) ترجمه نامناسب مترجم مرد و ۴۹۲ مورد نیز برای مترجم زن مشاهده کردند. برای متن دوم نیز مجموع ترجمه‌های نامناسب مترجم مرد ۵۶۹ و مترجم زن ۶۶۱ مورد به ثبت رسید. با توجه به اینکه مترجم مرد در متن اول بیشتر و برای متن دوم ترجمه‌های نامناسب کم‌تری داشت، منافی اناری و قدرتی در پایان به این نتیجه رسیدند که همان‌گونه که در فرضیه‌شان مطرح کرده بودند، مرد یا زن بودن مترجم در صحت ترجمه تأثیرگذار نیست.



## ۵-۲. در خصوص تألیف

• علوی و رضوان‌طلب<sup>۴۰</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی نحوه بازنمایی جنگ در رمان *غار فروریخته*<sup>۴۱</sup> اثر یمینه مشاکرا<sup>۴۲</sup> پرداختند. این پژوهشگران بیان می‌دارند که مشاکرا ابعادی تازه از جنگ را به شیوه‌ای متفاوت از مردان نشان می‌دهد. رمان از همان ابتدا در فضای غار آغاز می‌شود و راوی داستان پرستار مجروحانی است که در آن غار مداوا می‌شوند. این پرستار زن یا همان قهرمان داستان دوران کودکی‌اش را در پرورشگاه سپری کرده است. سرنوشت وی که تا پایان داستان نامش نامشخص است (از نظر او نام‌ها بی‌اهمیت‌اند) به تاریخ و وطنش گره خورده و جنگ (استقلال الجزایر) شخصیت وی را شکل می‌دهد. خلاف نویسندگان مرد که واقعیت جنگ را ثبت می‌کنند، مشاکرا بیشتر به حواشی و آثار برجای‌مانده از جنگ متمرکز است و پایداری و مقاومت ملتش را نقل می‌کند. علوی و رضوان‌طلب در انتها بیان می‌دارند در این رمان که چندصدایی و چندمعنایی از شاخصه‌های آن است، زن که معمولاً از گفتمان جنگ به دور بوده دیدگاهش را در این رابطه بیان می‌کند.

• سراج (۱۳۹۶) با مطالعه متغیر جنسیت در رمان‌های *عادت می‌کنیم* و *انگار گفته بودی لیلی و پرندۀ من*، توصیفات به چالش کشیدن فرهنگ مردانه، جزئی‌نگری، کاربرد شخصیت‌های فراوان زن، زاویه دید زنانه و ... را از مؤلفه‌های مورد استفاده زنان بیان می‌کند. وی با استناد به نظر میلز تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان را در سه سطح واژه‌ها، جمله‌ها و گفتمان بررسی کرده و ویژگی‌های برون‌متنی را بیان می‌کند. به بیان سراج، یکی از ویژگی‌های برون‌متنی مورد بررسی برای رمان‌های یادشده، زاویه دید است، در این داستان‌ها زاویه دید اول شخص است و نویسنده از این طریق با حضور بیشتر در داستان، ذهنیات و درونیات خود را بهتر بیان می‌کند. از دیگر مواردی که نویسنده به وسیله آن افکار و اندیشه‌هایش را در داستان بیان می‌کند شخصیت‌های داستانی هستند:

در رمان *عادت می‌کنیم* گفت‌وگوها بین شخصیت‌های زن (ماه‌منیر، محبوبه، شیرین، آرزو، آیه و ته‌مین) روی می‌دهد و جهانی که پیرزاد در این داستان ترسیم می‌کند متفاوت از قبل بوده و در آن بیشتر زنان فعال و تصمیم‌گیرنده هستند و فضاهایی که در آن حضور پیدا می‌کنند هم رستوران‌های شهر، فضای کار و ... است.

در رمان *انگار گفته بودی لیلی*، تقریباً تمام بدی‌ها مربوط به شخصیت‌های مرد است که البته، یک استثنا نیز وجود دارد (علی) و دلیل آن هم وجود یک شخصیت آرمانی در بین شخصیت‌های مرد است.

شخصیت اصلی در داستان «پرنده من» نیز زن است، زنی تنها که درگیر افکار خود است و با وجود سختی‌ها (همسرش او را ترک کرده) به زندگی‌اش ادامه می‌دهد.

از دیگر مواردی که میلز در سطح گفتمانی بدان اشاره دارد درون‌مایه است. از نظر وی باید توجه داشت که متن دربرگیرنده منافع چه کسی است و بررسی کرد که هدف از انتخاب شخصیت‌ها، مکان‌ها و روابط میان آن‌ها چیست؟

در رمان *انگار گفته بودی لیلی*، نویسنده تلاش زنی را نشان می‌دهد که برای دستیابی به استقلال تلاش می‌کند و با گذر از فراز و نشیب‌ها بدان دست پیدا می‌کند (نویسنده از طرح سفر برای اشاره به عبور از فراز و نشیب و تحول و دگرگونی بهره برده است و از سفر بیرونی به تحولی درونی می‌رسد).

نویسنده در رمان *عادت می‌کنیم*، در همان ابتدا و با نشان دادن برتری آرزو نسبت به راننده جوانی که پارک ماشین برایش دشوار است، تصویری توانا و فعال را از زن ارائه می‌دهد.

در پایان، سراج با اشاره به تغییر نقش زن در این رمان‌ها بیان می‌دارد که نویسندگان سعی داشته‌اند تا با ارائه تصویری فعال از زن و به حاشیه راندن مردان، جامعه و ادبیات مردسالار را به چالش کشیده، گفتمانی با فضای زنانه رقم بزنند.

● قاسم‌زاده و علی‌اکبری (۱۳۹۵) در مقاله‌شان، ضمن آوردن خلاصه‌ای از رمان *سرخ‌ تو از من نوشته سپیده شاملو* به پیشینه پژوهش درباره آثار نویسنده پرداخته، مؤلفه‌های نقد فمینیستی و زیبایی‌شناختی نوشتار زنانه را روش کار خود قرار داده‌اند و این اثر را رمانی مدرن می‌دانند که به بررسی مشکلات زنان در جوامع سنتی پرداخته و بن‌مایه اصلی آن روایت نابهنجاری‌های جنسی است و روابط نادرست را آسیب‌شناسی می‌کند. همچنین، آن‌ها بیان می‌دارند که نویسنده در این اثر تبعیض جنسیتی و اقتصادی را با دو گروه از زنان به نمایش می‌گذارد: یکی وابسته و در سقوط و دیگری مستقل و در حال تکامل. همچنین، نویسندگان انتقاد از مردسالاری و زن بودن شخصیت‌های اصلی، توصیفات،

جمله‌های کوتاه، عواطف خاص زنانه، پرسش‌های کوتاه در خلال و پایان داستان، مناسبات بینامتنی (هزارویک‌شب، گذر سیاوش از آتش)، استفاده از رنگ‌ها (حتی در عنوان هم آورده شده) را نیز از دیگر ویژگی‌های این اثر برشمردند.

● محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲)، شش رمان از سه نویسنده زن و سه نویسنده مرد را از نظر واژگان و با تکیه بر آرای لیکاف بررسی کردند. پژوهشگران نشان دادند که نویسندگان زن از ۷۱۲ رنگ‌واژه استفاده کرده‌اند، حال آنکه مردان ۳۶۰ رنگ‌واژه را به‌کار برده‌اند. آن‌ها بیان می‌دارند که در نوشتار مردان از ۱۶ رنگ و در نوشتار زنان از ۲۶ رنگ استفاده شده است. همچنین، آن‌ها با بیان دقیق تعداد موارد استفاده‌شده در رمان‌های مورد مطالعه نشان دادند که رنگ‌هایی مانند ارغوانی، زیتونی، عسلی، گل‌بهی، طوسی و ... اصلاً مورد استفاده نویسندگان مرد قرار نگرفته است. یکی دیگر از مشخصه‌های زبان زنانه استفاده از تردیدنماهاست. این پژوهشگران به‌نقل از کریستال<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۳) استفاده از تردیدنماها را نشانه عدم قطعیت و تردید گوینده و یا خودداری از قطع کلام و ادامه گفتار می‌دانند. در ۶ رمان موردنظر نویسندگان زن و مرد به‌ترتیب ۶۵ و ۲۴ بار از تردیدنماها استفاده کرده‌اند. نویسندگان با استناد به نظرات هولمز<sup>۴۴</sup> (۱۹۹۳) و آدامز<sup>۴۵</sup> (۱۹۸۹) دلیل گفتار مؤدبانه زنان را موقعیت پایین آن‌ها و نیز الگو بودن آن‌ها در جامعه می‌دانند. در تحلیل ارائه‌شده نیز ۶ مورد استفاده از دش‌واژه‌ها از سوی زنان و ۸۳ مورد از سوی مردان صورت گرفته است. همچنین، زنان برای تأکید بیشتر بر کلامشان تقریباً دو برابر بیش از مردان قیده‌های تشدیدکننده به‌کار برده‌اند (۷۱ مورد در مقابل ۳۴ مورد). همچنین، توجه بیشتر زنان به جزئیات سبب می‌شود تا نسبت به مردان از صفات بیشتری بهره ببرند. بدین ترتیب، با یافته‌های به‌دست آمده نظریات لیکاف در زبان فارسی نیز تأیید شد.

● نیکوبخت و همکارانش (۱۳۹۱) سه داستان کوتاه: «مثل همه عصرها»، «طعم گس خرمالو»، «یک روز مانده به عید پاک» و دو رمان: «عادت می‌کنم و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم از زویا پیرزاد را بررسی می‌کنند و با استناد به آرای سارا میلز، سبک زنانه را به‌منزله سبکی مستقل مطرح کرده، کاربرد واژه‌ها، جمله‌ها و ویژگی‌های بیرومتنی را در آثار مورد نظر بررسی کردند. از نظر نویسندگان مقاله، برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک نوشتاری

پیرزاد که در القای زنانگی در متن مؤثرند عبارت‌اند از: جزئی‌نگری و کاربرد توصیفات فراوان، تعدد شخصیت‌های زن. همچنین، پیرزاد با کنار زدن کلیشه‌ها سعی در به‌چالش کشیدن فرهنگ مردانه دارد. برای نمونه، آرزو (شخصیت اصلی داستان) شغلی مردانه (مدیریت بنگاه معاملاتی) را انتخاب کرده و خلاف تفکر دیگران به‌خوبی از عهده آن برآمده است... برخورد او با کارگری که دزدی کرده گویای عدم سلطه‌پذیری زنان است:

- کارگر: خانم دستتان را ماچ می‌کنم، قول مردانه، دفعه اول و آخرم بود

- آرزو: من یکی تا حالا از قول مردانه خیری ندیده‌ام. خیلی مردی قول زنانه بده (ص).

(۱۶۳).

• عرب یوسف‌آبادی و کلبعلی در پژوهش خود به بررسی زبان و عواطف زنانه و مسائل و مشکلات مربوط به زنان در رمان *کوچه اقاقلی* راضیه تجار می‌پردازند. پژوهشگران اشاره می‌کنند که زنان در این رمان در محیطی بسته فعالیت می‌کنند. در این داستان بلند که شخصیت‌های زن بسیاری دارد تأثیر کم‌رنگ زن بر سرنوشت خودش به تصویر کشیده می‌شود. نویسنده با استفاده از ۲۹۸ واژه رنگی با رنگ‌های مختلف و گسترده بدان سبکی زنانه بخشیده است. از دیگر ویژگی‌های نوشتار تجار استفاده از کلمه‌های مخصوص زنان است. وصف دقیق لوازم آرایش زنان و استفاده از آن یکی از آن موارد است:

«با ماتیکی سرخ دالبر لب را پررنگ کرد و آن گاه دو لب را بر روی هم مالید...» (همان،

ص. ۲۹).

تجار نیز مانند دیگر نویسندگان زن با قطعیت سخن نمی‌گویند و نظراتش را پوشیده بیان می‌کنند و همان‌گونه که لیکاف اشاره می‌کند زنان برای تقویت آهنگ جمله‌شان از تشدیدکننده‌ها استفاده می‌کنند، چیزی که در نوشتار تجار نیز دیده می‌شود و ۱۳۸ مورد از تشدیدکننده‌ها استفاده شده است:

«غرض اسائه ادب نبود. مزایب مزاح عرض شد. مخصوصاً که خانم والده، خیلی غصه

عیال را می‌خوردند» (همان، ص. ۱۸)

• حسن‌زاده دستجردی و موسوی‌راد (۱۳۹۳) در مقاله خود دو رمان پرنده من و ماهی‌ها در شب می‌خوانند به‌ترتیب نوشته فریبا وفی و سودابه اشرفی را از نظر فرم و محتوا

بررسی می‌کنند و بیان می‌کنند که:

در رمان پرنده من، نویسنده با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدرن و رایج، زاویه دید اول شخص را انتخاب کرده است و ارتباط بی‌واسطه‌ای را با خواننده ایجاد و خود را به او نزدیک می‌کند. شخصیت اصلی این رمان زنی است (یکی از مؤلفه‌های نوشتار زنانه نیز انتخاب یک زن برای شخصیت اصلی داستان است) خانه‌دار و بی‌نام‌ونشان که این نیز نشانی از بی‌هویتی اوست. از شش شخصیتی که در داستان حضور دارند تنها یکی از آن‌ها (مهین) دارای حقوق انسانی است و آرزوهایش برآورده می‌شود و از جامعه مردسالار سنتی فاصله می‌گیرد. داستان ابتدا با توصیف محله و بعد خانه آغاز می‌شود و آشپزخانه نیز به‌منزله مکانی که بیشتر راوی در آن حضور دارد، چندین بار تکرار می‌شود. زیرزمین نیز که زن برای مرور خاطراتش بدانجا می‌رود ۳۷ بار تکرار می‌شود. نویسنده با تکرار این نشانه‌های مکانی از یک طرف نقش آن‌ها را برجسته می‌سازد و از طرف دیگر، فضای زنانه داستان را بازگو می‌کند.

اشرفی که تکنیک‌های مدرنی هم‌چون بازگشت پیاپی به گذشته را به‌کار برده است، خلاف وفی از چندصدایی و شکستن خط روایت (تغییر زاویه دید) بهره می‌برد، البته، هر یک از شخصیت‌های اصلی در انزوا و بدون مراد کلامی با یکدیگرند. دو شخصیت اصلی داستان موقعیت‌های متفاوتی دارند، چنان‌که فرنگیس معمولاً در «آشپزخانه و پشت پنجره» به تصویر کشیده می‌شود، ولی طلایه، دیگر شخصیت اصلی زن، در مکان‌هایی هم‌چون «مدرسه، دانشگاه، بازداشتگاه، بار، ساحل دریا و آپارتمان شخصی» به ایفای نقش می‌پردازد. اشرفی سعی دارد با مقایسه کنش‌های شخصیت‌ها خواننده را در یافتن مضامین پنهان داستان یاری کند. پژوهشگران نمونه‌هایی در این باره را به نمایش می‌گذارند: «سیگار کشیدن (پدر، امیر و طلایه)، کتاب خواندن (علی، طلایه و خانم بدیعی)، مقدم بودن هنگام راه رفتن (پدر، امیر و همسر سوگند)، ازدواج مجدد (فرنگیس و سوگند) و ...». فرنگیس که زنی منفعل است، گفتمان مردسالاری را پذیرفته است و حتی فراتر از آن گاهی خود بر آن دامن می‌زند، اما طلایه سلطه را در خانه و جامعه نمی‌پذیرد و اهل سازش هم نیست. در پایان، پژوهشگران اشاره می‌کنند که این دو اثر که در یک دهه نگاشته شده‌اند، مضامین مشترکی دارند که از آن میان می‌توان سلطه مردان بر زنان، سرنوشت زنی که با همسرش اختلاف فکری دارد، مسائل و مشکلات زنان در جامعه مرد سالار و ... را نام برد.

## ۶. بررسی و تحلیل داده‌ها

به غیر از پژوهش مربوط به منافی اناری و قدرتی که در تحقیقشان صحت ترجمه را بررسی کرده‌اند و معتقدند جنسیت مترجم تأثیری بر صحت ترجمه ندارد. در ۱۰ پژوهش دیگر، مؤلفه‌های نوشتار زنانه را به شرحی که آورده می‌شود یافتیم:

استفاده از رنگ‌واژه، تردیدنما، تشدیدکننده، کلمه‌های مخصوص زنان، دش‌واژه‌های کمتر، جمله‌های کوتاه، جزئی‌نگری، پرسش‌های کوتاه در خلال و پایان داستان، مناسبات بینامتنی، توصیفات فراوان، قیده‌های کمیته، ساده‌نویسی، چندصدایی، به چالش کشیدن فرهنگ مردانه و انتقاد از مردسالاری، زاویه دید زنانه، بی‌نام و نشان بودن راوی، به تصویر کشیدن محیطی بسته برای زنان، مشکلات زنان، عواطف خاص زنانه، نابهنجاری‌های جنسی، تبعیض جنسیتی و اقتصادی، زن بودن شخصیت‌های اصلی و ...

از میان مؤلفه‌های یادشده مواردی را که کم‌وبیش در تحقیقات انجام‌شده مشترک بودند استخراج کرده و برای مثال دریافتیم که ۸۰ درصد از این پژوهش‌ها، استفاده بیشتر و دقیق‌تر زنان از رنگ‌واژه‌ها را تأیید کردند. همچنین، ۶۰ درصد استفاده کمتر زنان از دش‌واژه‌ها و ۸۰ درصد بیان مکرر عواطف، تجربیات و دل‌مشغولی‌های زنانه را گزارش کردند. در برخی موارد تنها صدای موجود صدای زنانه است و در بعضی نیز نویسنده با چندصدایی و چندمعنایی سعی در برقراری ارتباطی مؤثرتر با مخاطب دارد، ولی آنچه در این بررسی‌ها مشهود بود دوری از فرهنگ مردسالار و به تصویر کشیدن مشکلات زنان بود، گاهی نیز زنان با ارائه دو تصویر متفاوت (از زن سنتی و زن مدرن) به مقایسه فضای زندگی این دو پرداخته و دغدغه هر یک را بیان کرده‌اند. در جدول شماره ۳ و ۴ نمونه‌هایی از مؤلفه‌های یادشده و مصادیقشان در تحقیقات صورت‌گرفته ارائه شده است:



نویسنده ←	مولفه ↓	شیرینی و زینت	تکرارهای آهنگی	توجه و نغمه‌های تزیینی	جمله‌های بلند و کوتاه	سراج	واژه‌های خاص و تکراری	و تخیلی و استعاره‌های تصویری	تجسّم و تشبیه و استعاره و کنایه و نماد و استعاره و تشبیه و کنایه و نماد	و تکرار و تکرار و تکرار و تکرار	سبک و سبک و سبک و سبک
برخورد با کلیشه‌ها و مرد سالاری						✓			✓		✓
کاربرد واژه-ها، دل-مشغولی‌ها، عواطف، تجربیات و فضای زنانه و مادرانه		✓		✓	✓	✓			✓		✓
استفاده از صورت‌های عاطفی				✓		✓			✓		
به کارگیری جملات پرسشی به شکل حدیث نفس						✓			✓		



جدول ۴: عنوان و توضیح/مصادق برخی مولفه‌های سبک نوشتار زنانه

Table 4: Title and explanation/example of some components of feminine writing style

توضیح/ مثال
<p><b>رنگواژه:</b></p> <p>- چی بهم گفت یادم نمیاد. راستش اصلا آن شب یادم نیست. بلوز طلایی مستانه یادم میاد و لباس تو. شلوار مشکی و بلوز سفید. روش هم یک ژاکت زرشکی پوشیده بودی که خطهای مشکی داشت (سراج، به نقل از شاملو، ۱۳۷۹: ۲۹).</p> <p>- موهای خرمایی حلقه حلقه بر بالش ساتن صورتی فرو ریخته بود (عرب یوسف آبادی و کلبعلی، به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۲۸).</p> <p>- (نمونه ترجمه دانشجویان زن): رنگ زننده و نفرت‌انگیزی دارد. زرد چرک دودزده‌ای که با نور آفتاب محو شده‌است. (نمونه ترجمه دانشجویان مرد): رنگ آن زننده و تنفرآمیز است و نور خورشید آن را کمرنگ کرده‌است (هادی پور و بهرامی نظرآبادی).</p>
<p><b>جملات توصیفی:</b></p> <p>- برف می‌بارد. در کوچه تنگ و دراز دو دختر بچه بازی می‌کنند. یکی موهای صاف و بلند دارد و روبانی نارنجی بر نک گیس بافته دومی پروانه ساخته. دختر بچه‌ها می‌خندند و می‌دوند و به هم برف پرت می‌کنند (نیکوبخت و دیگران، به نقل از پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۷).</p> <p>- در ارتفاعی که منتظر بودم کسی را ببینم هیچ‌کس را ندیدم. سرم را خیلی پایین بردم تا دیدمش. قدش کوتاه بود؛ خیلی کوتاه؛ تقریباً تا آرنجم. لباس روپوش مانند گلدار پوشیده بود و شال بافتنی سیاهی بسته بود دور کمر. گردنبنند مروارید سه رچی به گردن داشت (محمودی بختیاری و دهقانی، به نقل از بلقیس سلیمانی، ۱۳۸۴: ۳۸).</p> <p>- موهایش از زیر روسری بیرون آمده و بال‌های روسری از اشک خیس است. مادری که تیغ ماهی در گلوی فرزندش گیر کرده دم در اورژانس مستاصل استاده و بچه بی‌صدا اشک می‌ریزد. آرایشگاه زنانه شلوغ است. زنی موهای سوخته‌اش را به آرایشگر نشان می‌دهد و گریه می‌کند. زن‌های دیگر زیر آلو مینیوم‌ها و کلاه‌های رنگ و حوله‌ها ساکت او را نگاه می‌کنند... (قاسم‌زاده و علی‌اکبری، به نقل از شاملو، ۱۳۸۵: ۲-۳).</p>
<p><b>تعدد شخصیت‌های زن و زاویه دید زنانه:</b></p> <p>- پیرزاد همواره در داستان‌هایش کوشیده تا چهره جذابی از زنان به تصویر کشد و همیشه راوی یا قهرمان داستان‌ها را از میان زنان انتخاب می‌نماید چنان‌چه در رمان عادت می‌کنیم محور داستان را گفتگوها و روابط میان زنانی هم‌چون ماه‌منیر، شیرین، آیه، آرزو، ته‌مین و محبوبه قرار می‌دهد (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴).</p> <p>- وفی در رمان <i>پرند من</i> یک زن را از میان شخصیت‌های داستان‌ها به عنوان راوی بر می‌گزیند و از خلال بازگشت‌هایی که پیاپی به گذشته رخ می‌دهد عدم رضایت خانواده از تولد فرزندی دختر نمایان می‌گردد ...</p>

## توضیح/ مثال

(حسن زاده دستجردی و موسوی راد، ۱۳۹۳: ۵۷).

برخورد با کلیشه‌ها و مرد سالاری:

– آرزو به زانتیای سفید نگاه کرد که می‌خواست جلو لبنیات‌فروشی پارک‌کند، زیرلب گفت: شرط می‌بندم کند بزنی، پسر جان. و آرنج روی لبه پنجره و دست روی فرمان، منتظر ماند. راننده ریش‌بزی رفت جلو، آمد عقب، رفت جلو، آمد عقب و از خیر جاپارک گذشت. آرزو زد دنده عقب، دست گذاشت روی پشتی صندلی بغل و به پشت سر نگاه کرد. جوان ریش‌بزی داشت نگاه می‌کرد. مردی دم در لبنیاتی کیک و شیرکاکائو می‌خورد و نگاه می‌کرد. جیغ لاستیک‌ها درآمد و رنو پارک شد. مرد کیک و شیر به دست ... رو به راننده زانتیا داد زد: یاد بگیر جوچه (نیکوبخت و دیگران، پیرزاد، ۱۳۸۳: ۷).

– در داستان ماهی‌ها در شب می‌خوانند دیدگاه طلایه برای ازدواج متفاوت از دیدگاه زنان سنتی است، طلایه که استقلال مالی را برای زنان ضروری می‌داند، دوست‌داشتن را ملاک اصلی‌اش برای ازدواج قرار می‌دهد (حسن‌زاده دستجردی و موسوی‌راد، به نقل از اشرفی، ۱۳۸۸: ۷۳).

واژه‌ها، دل‌مشغولی‌ها، عواطف، تجربیات و فضای زنانه و مادرانه:

– دیشب خواب دیدم آشپزی می‌کنم. آمدی توی آشپزخانه. بی‌خنده. آشپزخانه تمیز بود. حواسم به روغنی بود که از قاشق چوبی چکه می‌کرد (سراج، به نقل از شاملو، ۱۳۷۹: ۱).

– ظرف‌های شام را شسته‌ام، آشپزخانه را تمیز می‌کنم و می‌روم جلو تلویزیون می‌نشینم (نیکوبخت و دیگران، به نقل از پیرزاد، ۱۳۸۳: ۳).

– شریفی فر و زند با مقایسه سه ترجمه از یک متن (دو مترجم زن و یک مترجم مرد) دریافتند که مترجمان زن به خوبی توانستند عواطف زنانه و مادرانه نویسنده زن را در زبان مقصد بیان نمایند (۱۳۹۲: ۱۶۰).

استفاده از صورت‌های عاطفی:

– علاوه بر آن طفلی همیشه تنه‌است و آوردن یک همبازی کوچولو به جایی بر نمی‌خورد (سراج، به نقل از وفی، ۱۳۸۱: ۷۶).

– مهناز پایه‌پای خاله پری گریه می‌کرد و می‌گفت ووی، بمیرم الهی! اون روز نیاد پری جون (نیکوبخت و دیگران، به نقل از پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

– تو واقعا معرکه شده‌ای! (تقدیمی نوغانی و عزتی، به نقل از سیدنی شلدون، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، ۱۳۷۳: ۱۲۸).

جملات پرسشی به شکل حدیث نفس:

– آرزو چتر موها را پس زد ... با خودش گفت از قصد بلند کرده بود یا از تنبلی سلمانی رفتن؟ ... با خودش گفت اصلا به من چه؟ (سراج، به نقل از پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۷).

با توجه به توضیحات مربوط به مقاله‌های بررسی‌شده و با در نظر داشتن انتقادات داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷)، که پیش‌تر ذکر شد، مشاهده می‌شود که برخی پژوهشگران سعی در به‌کارگیری نظریات اجتماعی و فرهنگی در بررسی‌های خود داشته‌اند (مثلاً شریفی‌فر و زند (نگرش جنسیتی - فرهنگی...)) و قاسم‌زاده و اکبری (نقد فمینیستی و زیبایی‌شناختی))، اما در عمل تحقیقات، بیشتر حول محور مؤلفه‌های شناخته‌شده لیکاف و میلز شکل گرفته‌اند و به دادن یک آماره میدانی از این مؤلفه‌ها ختم می‌شوند و تحلیل‌های عمیق اجتماعی - فرهنگی - روان‌شناختی ارائه نمی‌شود و بومی‌سازی انجام نمی‌گیرد. این بدین معناست که مؤلفه‌ها و نظرات صاحب‌نظران این حوزه همچون لیکاف - که مبتنی بر ویژگی‌های و رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، زبان‌شناختی غرب است - بیشتر بدون هیچ‌گونه تحلیل جامعه‌شناختی و بررسی بافتی - فرهنگی در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران تقلید می‌شود، مثلاً هیچ‌گونه تحلیل یا بررسی‌ای صورت نمی‌گیرد که پرهیز از دش‌واژه‌ها در آثار زنان ایرانی صرفاً یک ویژگی سبکی نوشتار زنانه است یا بیشتر ریشه در مسائل فرهنگ عامه ایران دارد یا وابسته به فشار سانسور دولتی و الزامات نشر است. به‌طورکل، می‌توان گفت ایرادات داوری اردکانی و عیار هنوز وارد هستند. البته، با شدتی کم‌تر.

در خصوص ترجمه، چند نکته دیگر را نیز می‌توان به موارد ذکرشده افزود:

- نخست اینکه کارآمد بودن روش کار محققان در پژوهش‌های بررسی‌شده به‌ویژه در خصوص ترجمه باید مشخص شود. همان‌طور که دیدیم ۴ مقاله از مقاله‌های مورد مطالعه در این پژوهش به بررسی نقش جنسیت مترجم و مؤلفه‌های نوشتار زنانه در کار ترجمه (به شرح جدول ۵) پرداخته‌اند:

## جدول ۵: روش کار در مقالات ترجمه

Table 5: Methodology in translation articles

پژوهشگر	روش کار	موارد بررسی شده در مقاله	نتایج
شریفی فرزند	بررسی و مقایسه ۳ ترجمه (۲ مترجم زن و ۱ مترجم مرد) از یک کتاب	تأثیر نگرش‌های جنسی- فرهنگی، جنسی-زبانی بر اساس دیدگاه‌های لیکاف و فرکلاف	وفاداری مترجمان زن به متن و انتخاب معادل‌های دقیق و زیبا و حذف برخی کلمات بر اثر تابوهای اجتماعی
بهرامی نظرآبادی	بررسی و مقایسه ترجمه‌های ۱۵ دانشجوی زن و ۱۱ دانشجوی مرد از داستان فمینیستی "کاغذ دیواری"	ده مولفه نوشتار زنانه لیکاف	- در مواردی در ترجمه زنان و مردان تفاوت زیاد وجود دارد. - وفاداری به متن اصلی در ترجمه مهم است.
تقدمی نوغانی عزتی	بررسی و مقایسه ۵ ترجمه شده توسط زنان با ۵ ترجمه شده توسط مردان	۱۹ مولفه بر اساس آراء لیکاف و فرکلاف	آمار و ارقام مختلف از ترجمه-ی زنان و مردان به دست آمد.
مناقی اناری، قدرتی	بررسی و مقایسه ۱۰۰۰۰ واژه ابتدایی دو رمان انگلیسی نوشته‌ی دو زن در دو ترجمه‌ی زنانه و مردانه از هر رمان	بررسی صحت ترجمه از نظر ۸ مولفه رویکرد وادینگتون	جنسیت تأثیری در صحت ترجمه ندارد.

به نظر نویسندگان، روش پژوهش در مقاله مربوط به تقدمی نوغانی و عزتی نامناسب است و بیانگر هدف مورد نظر، یعنی تأثیر جنسیت در ترجمه نیست، زیرا اولاً مقایسه ترجمه زنان و مردان در اینجا بر روی ترجمه‌های آثار مختلف و غیریکسانی صورت گرفته است و دوم، نویسندگان آثار مورد بررسی در هر دو گروه، مرد و زن بوده‌اند. بنابراین، نتایج به دست آمده در پژوهش تقدمی نوغانی و عزتی گویای تأثیر جنسیت بر ترجمه نیست. با توجه به مورد ذکر شده باید در نظر داشت که در بررسی و نقد جنسیتی یک ترجمه، می‌باید به اصل اثر در زبان مبدأ توجه کرد، زیرا عمل ترجمه، نسبت به تألیف تا حد زیادی به

اصل اثر وابسته است و دست مترجم کاملاً باز نیست و با محدودیت تطابق با متن اصلی روبه‌رو است. مترجم نمی‌تواند آزادانه آرا، عقاید و سلیق خود را در ترجمه اعمال کند و باید امانتی را که از طرف نویسنده به او سپرده شده است، به بهترین نحو به خواننده برساند. بدین ترتیب، اگر نویسنده اصلی قیود زیادی در متن خود به‌کار برده باشد، مترجم ناگزیر به ترجمه آن‌هاست. البته، مترجم می‌تواند ضمن رعایت اصول ترجمه صحیح، در سایه ویژگی‌های سبکی و شخصی ترجمه، برخی سلیق زبانی خود را در متن اعمال کند. شاید مترجمی بر حسب سبک زبانی و ترجمه‌ای خود یا به‌دلیل قابل ترجمه نبودن برخی ساختارها از یک زبان به زبان دیگر، برخی موارد را به‌صورتی دیگر ترجمه کند، اما به هر حال کار او وابسته به متن اصلی است.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که به‌منزله مثال شریفی‌فر و زند (۱۳۹۲) حذف یا تعدیل برخی واژگان جنسیتی از سوی مترجمان زن را تأییدی بر ویژگی‌های زنانه نوشتار آن‌ها و برخاسته از تابوهای جامعه تلقی می‌کنند، اما با توجه به شرایط حاکم بر نشر در ایران و الزامات وزارت ارشاد، مشخص نیست که آیا این تغییرات از سوی خود مترجمان اعمال شده باشد یا بعداً از سوی ویراستار یا ناشر؛ روندی که در ایران بسیار رایج است. از سوی دیگر، شریفی و زند مترجمان زن را وفادارتر به متن می‌دانند، در حالی که معترفند که آن‌ها مواردی را حذف یا تعدیل کرده‌اند، ولی مترجم مرد همه واژه‌ها و عبارات متن را ترجمه کرده است! این مورد شاید بیانگر نوعی پیش‌داوری نزد این پژوهشگران باشد. ضمناً وفاداری به متن یا ترجمه آزاد می‌تواند ریشه در سبک ترجمه مترجم داشته باشد و نه تنها جنسیت او. با بررسی کار یک مترجم مرد نمی‌توان نتیجه را به همه مردان تعمیم داد.

نکته دیگری که جای بحث دارد این است که وقتی چند مترجم اثر واحدی را ترجمه کرده باشند، ممکن است که مترجم جدید، در صورت آگاهی و مطالعه ترجمه(های) قدیمی‌تر، به‌صورت ناخودآگاه بکوشد کارش متفاوت از کارهای قبلی باشد. بر همین اساس، احتمال دارد در مورد عبارت «What's wrong with all of you?»، در پژوهش شریفی‌فر و زند (همان)، تفاوت ترجمه بین مترجمان مرد و زن به‌دلیل ایجاد تفاوت در ترجمه باشد و نه به دلیل تأثیر سبک مردانه و به‌کارگیری بیشتر دش‌واژه‌ها از سوی مترجم مرد.

## ۷. نتیجه

پژوهش‌های زیادی در ایران درخصوص تأثیر جنسیت مؤلف بر نوشتارش انجام شده است، اما تعداد مطالعات انجام‌شده درمورد تأثیر جنسیت مترجم بر ترجمه بسیار محدود است. درخصوص پرسش اول و با توجه به جدول‌های ۲، ۳ و ۴ ملاحظه می‌شود که در کل برخی مؤلفه‌های ملموس برگرفته از نظریات لیکاف و همکاران و سایر نظریه‌پردازان این حوزه بررسی شده‌اند و جای خالی پژوهش‌های کامل‌تر براساس تقسیم‌بندی دقیق‌تر مؤلفه‌های آوایی - واجی، واژگانی، نحوی - دستوری و معنایی کاملاً مشهود است.

با توجه به پرسش دوم، ملاحظه می‌شود که تحقیقات مورد بررسی در این پژوهش، ضمن هنجار و معیار قرار دادن نوشتار مردانه و قطعی فرض کردن تفاوت بین سبک نوشتار مردانه و زنانه، سعی در توصیف ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبک نوشتار زنانه داشته‌اند که این خود بنیادی‌ترین نقیصه است. این مسئله قابل تعمیم به بسیاری از تحقیقات این حوزه در ایران است. در تحقیقات جدیدتر، محققان کوشیده‌اند مسئله را با دیدی اجتماعی - فرهنگی بنگرند، اما این رویکرد بسیار کم‌رنگ بوده و تحلیل‌های عمیقی مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی ارائه نشده است. و به نظر می‌رسد محققان در بیشتر موارد سعی بر اثبات نظریه و صدق آن در پژوهش خود داشته‌اند؛ کوششی که در واقع جنبه ضد علمی دارد. بدین ترتیب نتایج به دست آمده از این تحقیقات قابل تعمیم نیستند.

همچنین، به تأثیر جنبه‌های روان‌شناختی، فردی و موقعیتی مؤلف یا مترجم توجهی نشده است و توجه بیشتر بر جنسیت آن‌ها معطوف بوده است. بدیهی است که خصوصیات شناختی و روان‌شناختی فرد تأثیر فراوانی بر دیدگاه‌های اجتماعی، گفتمان و سبک نوشتاری‌اش دارد. بنابراین، در بررسی و نقد آثار یک نویسنده یا مترجم علاوه بر مسائل فرهنگی - اجتماعی، خصوصیات فردی و جهان‌بینی شخصی او نیز باید در نظر گرفته شود: نویسنده مردی که دیدگاه‌های فمینیستی دارد قطعاً در نوشته‌هایش به مقابله با مردسالاری خواهد پرداخت و درمقابل، در اثر نویسنده زنی با دیدگاه‌های مذهبی - سنتی، آرای مدرن فمینیستی بازتاب بسیار کم‌رنگی خواهد داشت.

درخصوص پرسش سوم و پژوهش‌های مربوط به ترجمه، در برخی موارد شیوه اتخاذ شده ناکارآمد است. در این خصوص، بهتر است ترجمه‌های مختلف مترجمان مرد و زن

از یک اثر با هم مقایسه شوند، ضمن آنکه به آگاهی و استفاده مترجم متأخر از ترجمه قبلی نیز توجه شود.

از سوی دیگر، در بررسی و نقد جنسیتی یک ترجمه، می‌باید به اصل اثر در زبان مبدأ و سبک مؤلف اصلی نیز توجه کرد، زیرا عمل ترجمه، نسبت به تألیف، با محدودیت همراه است و تا حد زیادی به اصل اثر وابسته است. به علاوه، پژوهشگر باید به ویژگی‌های سبکی مترجم نیز توجه کند (ترجمه وفادار به متن یا ترجمه آزاد ...).

در نقد ترجمه، توجه به مسائل مربوط به ویراستاری، هنجارها و الزامات نشر در ایران و سانسور نیز مهم است. وقتی قرار است بر حسب حذف یا تعدیل برخی واژه‌ها یا دش‌واژه‌ها بر سبک زنانه مترجم تأکید کنیم باید بدانیم که آیا خود مترجم با میل شخصی این موارد را انجام داده است یا تحت فشار ناشر یا ویراستار ...

با توجه به مسائل مطرح شده، می‌توان گفت که بررسی تأثیر جنسیت بر نوشتار، چه درخصوص تألیف و چه درمورد ترجمه، نیازمند پژوهش‌های گسترده بینارشته‌ای و فراتر از یک مقاله کوتاه است. پژوهشی که گسترده‌تر از ارائه صرف آمارهای از مؤلفه‌های نسبت داده شده به نوشتار زنانه باشد. برای بررسی این موضوع در زبان فارسی، ابتدا باید تعریف دقیقی از جنس و جنسیت ارائه کرد و ارتباط و نسبت آن را با دیگر مؤلفه‌های شخصیت‌ساز نظیر سن، شغل، محیط خانوادگی، تعلیم و تربیت و زمان و گفتمان فرهنگی غالب مشخص کرد و سپس تفاوت‌های جنسیتی زبان‌ها و تفاوت‌های اجتماعی زنان و مردان و ویژگی‌های زبانی هر گروه را شناخت و ضمن بومی‌سازی مبانی نظری زبان‌شناسی جنسیتی، مؤلفه‌های به‌دست آمده را براساس نظریات مرتبط اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی و ترجمه‌شناختی در آثار مورد نظر بررسی کرد. گستردگی پژوهش و تعدد آثار هم مسئله مهمی است و تنها با بررسی یک یا چند اثر محدود نتایج قابل تعمیم نخواهد بود.

به‌منزله پیشنهاد پژوهشی و از آنجا که نمی‌توان با قطعیت گفت که سبک کاملاً متمایز نوشتار زنانه‌ای در مقابل سبک نوشتار مردانه وجود دارد، می‌توان تعدادی نوشته زن‌نوشت و مرد‌نوشت را با حذف نام مؤلف به گروهی از سبک‌شناسان بدهیم تا مشخص کند کدام دارای سبک مردانه و کدام یک واجد سبک زنانه است. همچنین، می‌توان از روش‌های رایانشی سبک‌سنجی و شناسایی هویت نویسنده استفاده کرد. روش‌هایی که امروزه در زبان‌شناسی

قضایی استفاده می‌شوند و مؤلفه‌های نحوی، واژگانی، معنایی و غیره را در متون می‌سنجند.

## ۸. پی‌نوشت‌ها

1. Feminist linguistics
2. Gender linguistics
3. Jacques Lacan
4. Luce Irigaray
5. Julia Kristeva
6. Jean Baudrillard
7. Jean-François Lyotard
8. Hélène Cixous
9. Gilles Deleuze
10. Gynocriticism
11. Le Rire de la Méduse
12. Revue L'Arc
13. Language and Woman's Place
14. Robin Lakoff
15. Talking Power
16. genderlect
17. Sappho
18. Christine de Pizan
19. Virginia Woolf
20. A room of one's own
21. Simone de Beauvoir
22. Deuxième sexe
23. A literature of their own
24. Elaine Showalter
25. Language and power
26. Norman Fairclough
27. Sociolinguistic Patterns
28. William Labov
29. Sara Mills
30. Deidre Burton
31. Interpreter of maladies
32. Jhumpa Lahiri
33. The yellow wallpaper
34. Charlotte P. Gilman
35. Pride and prejudice
36. Jane Austen
37. Wuthering height



38. Emily Brontë
39. Waddington
40. Alavi & Rezvantaleb
41. La grottr éclatée
42. Yamina Méchakra
43. Crystal
44. Holmes
45. Adames

## ۹. منابع

- ابراهیمی، ژ، صابری، ک، و مرادخانی، ش. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های زبانی زنان با توجه به متغیر سن براساس رویکرد لیکاف. *جستارهای زبانی*، ۶(۴۸)، ۱۸۷ - ۲۱۲.
- ارفع، م، و جزایری، س. م. (۱۳۹۲). *ساختار مغز زن و مرد*. تهران: ذهن آوین.
- اسداللهی، م، صلاحی‌مقدم، س، و حسینی، م. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت علیه زنان در داستان‌های دختر غبار نوشته وندی ولس و کولی کنار آتش نوشته منیرو روانی‌پور ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۶، ۱ - ۱۹.
- اعطار شرقی، ن، و نوروز علیائی، ف. (۱۳۹۸). بررسی رابطه میان زبان و جنسیت: مؤلفه‌های سبک نوشتاری زنانه. کتاب مجموعه مقالات همایش بین‌المللی زن در ادبیات، از *نماد تا واقعیت*، تهران: پل.
- آقاجری، ه، فصیحی، س، و عباسی، س. (۱۳۹۸). زبان و زمان در روایت زنان سیاسی خاطره‌نگار دوره پهلوی. *جستارهای زبانی*، ۵(۵۳)، ۷۳ - ۱۰۰.
- تقدمی نوغانی، ز، و عزتی، ا. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمهٔ رمان. *مطالعات داستانی*، ۱، ۲۵ - ۳۸.
- حسن‌زاده دستجردی، ا، و موسوی‌راد، س. م. (۱۳۹۳). تحلیل دو رمان پرندهٔ من و ماهی‌ها در شب می‌خوانند براساس مؤلفه‌های نوشتار زنانه. *نقد ادبی و بلاغت*، ۱، ۵۱ - ۷۰.
- حسینی، س. غ. ح. (۱۳۷۹). تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد: بدن، روان، هوش، کتاب نقد، ۱۷، برگرفته از: <http://ensani.ir/fa/article/68144/> (به‌روزرسانی ۱۳۹۹/۰۲/۳۰).
- خیاطان، ل. (۱۳۹۷). بررسی مطالبات زنان در آثار داستان‌نویسان زن از انقلاب مشروطه

- تا انقلاب اسلامی. ادبیات داستانی، ۲۵، ۳۷ - ۴۹.
- داوری اردکانی، ن.، و عیار، ع. (۱۳۸۷). کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جمعیت. *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۲، ۱۶۲ - ۱۸۱.
  - رودگر، ن. (۱۳۸۸). *تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
  - سراج، ع. (۱۳۹۶). تحلیل متغیر جنسیت در گفتمان غالب نویسندگان زن ایرانی براساس الگوی زبانی سارا میلز (مطالعه موردی رمان‌های *عادت می‌کنیم*، *انگار گفته بودی لیلی* و *پرنده من*). *مطالعات نظریه و انواع ادبی*، ۵، ۴۳ - ۶۶.
  - سراپلو، ز. (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی سبک زنانه در آثار داستانی غاده‌السمان و زویا پیرزاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی.
  - شریفی‌فر، م.، و زند، ف. (۱۳۹۲). تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های فرهنگی - جنسیتی بر ترجمه. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۳، ۱۴۳ - ۱۶۵.
  - شعبی، ف. (۱۳۹۲). *تفاوت‌های زنان و مردان*. تهران: انتشارات الکترونیکی رایگان.
  - طاهری، ق. ا. (۱۳۸۸). زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم. *زبان و ادب پارسی*، ۴۲، ۸۷ - ۱۰۷.
  - طلائی، م.، و طلائی، م. (۱۳۹۷). بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی این‌شوالتر در رمان *نقره دختر دریای کابل*، اثر حمیرا قادری. *ادبیات معاصر جهان*، ۲۳، ۲، ۴۳۳ - ۴۶۰.
  - عرب یوسف‌آبادی، ف.، و کلبعلی، ش. (۱۳۹۷). بررسی سبک زنانه در رمان *کوچه افاقیا* (نوشته راضیه تجار). *زن و فرهنگ*، ۳۵، ۶۱ - ۷۴.
  - فتوحی (رود معجنی)، م. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
  - قاسم‌زاده، س. ع.، و علی‌اکبری، ف. (۱۳۹۵). مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان *سرخ‌تو از من*. *زبان و ادبیات فارسی*، ۱۰، ۱۸۱ - ۲۰۵.
  - محمودی بختیاری، ب.، و دهقانی، م. (۱۳۹۲). رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۴، ۵۴۳ - ۵۵۶.
  - مرادی، م.، و بحرانی، م. (۱۳۹۴). تشخیص خودکار جنسیت نویسنده در متون فارسی.

پردازش علائم و داده‌ها، ۴ (۲۶)، ۸۳ - ۹۴.

- منافی اناری، س.، و قدرتی، م. (۱۳۸۸). نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه. پژوهش زبان‌های خارجی، ۵۴، ۱۴۳ - ۱۵۵.
- نیکوبخت، ن.، دسپ، س. ع.، بزرگ بیگدلی، س.، و منشی‌زاده، م. (۱۳۹۱). روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد، تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی. نقد ادبی، ۱۸، ۱۱۹ - ۱۵۲.
- هادی‌پور، ه.، و بهرامی نظرآبادی، ن. (۱۳۹۶). زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی کاغذ دیواری زرد. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۲، ۵۸۹ - ۶۰۲.
- Alavi, F., & Rezvantlab, Z. (2014). Pour une analyse des enjeux de l'écriture féminine de la guerre dans la Grotte éclatée de Yasmina Méchakra. *Plume*, 18, 23-51.
- FAUVRELLE-POMEON, M. "L'écriture féminine chez Hélène Cixous : Tambours sur la digue ou le rythme de la marionnette", Sainte- Etienne. Available from: radac.fr/wp- cotent/uploads/2016/10/CDT23\_17.pdf. (Accessed October 2, 2019).
- Tarjoman Porshkoh, N. (2018). "Images de la femme contemporaine au miroir des œuvres de Zoya Pirzad et Katherine Pancol". (These de doctorat en Littérature générale et comparée). Université de la Sorbonne Nouvelle, Paris Cité 1. Available from: [https:// tel.archives- ouvertes.fr/](https://tel.archives-ouvertes.fr/) (Accessed January 25, 2020).

#### References:

- Aghajari, H., Fasihi, S., & Abbasi, S. (2019). Language and time in the narrative of the political women memoir writers of the Pahlavi Era. *Language Related Research*, 5, 73-100. [In Persian].
- Alavi, F., & Rezvantlab, Z. (2014). For an analysis of the stakes of the female writing of the war in "La Grotte Eclatée" (the Exploded Grotto) by Yasmina Méchakra. *Plume*, 18, 23-51. [In French].
- Arab Yousef-abadi, F., & Kalbali, Sh. (2018). A study of feminine style In "Acacia

Alley" Novel by Raziye Tojar. *Journal of Woman and Culture*, 35, 61-74. [In Persian].

- Arfa', M., & jazayeri, M. (2013). *Male and female brain structure*. Tehran: Zehn Aviz. [In Persian].
- Asadollahi, M., Salahi Moghadam, S., & Hosseini, M. (2017). A contrastive study of violence against women in "Daughter of Dust" and "Koli Kenar-e-Atash" (Gypsy by the Fire). *Journal of Comparative Literature*, 16, 1-19. [In Persian].
- Atar Sharghi, N., & Norouz Oliace, F. (2019). A study of the relationship between language and gender: Components of women's writing style. In *Book of Act of Woman in Literature Congress* (114-131). Tehran: Pol. [In Persian].
- Davari Ardakani, N., & Ayyar, A. (2008). A study in Researches in the realm of the linguistics of gender. *Women's strategic studies*, 42, 162-181. [In Persian].
- Ebrahimi, Zh., Saberi, K., & Moradkhani, Sh. (2018). Women's features of speech based on Lakoff's approach: The effect of age. *Language Related Research*, 6, 187-212. [In Persian].
- Fauvrelle-Pomeon, M. (2019). *Female writing with Hélène Cixous: "Tambours sur La Digue" or the Rhythm of the Puppet*. Sainte- Etienne. Available from: radac.fr/wp cotent/uploads/2016/10/CDT23\_17.pdf. (Accessed October 2, 2019). [In French].
- Fotuhi, M. (2012). *Stylistics*. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Ghasemzadeh, A., & Ali Akbari, F. (2016). Elements of feminine writing in Sepideh Shamlu's novel "Sorkhi-E-To Az Man" (your Redness is mine). *Persian Language and Literature*, 80, 181-205. [In Persian].
- Hadipour, H., & Bahrami Nazarabadi, N. (2017). Feminine writing and translation: A case study of "The Yellow Wallpaper". *Foreign Language Research*, 2, 589-602. [In Persian].
- Hasanzadeh Dastgerdi, A., & Mousavi Rad, M. (2014). An Analysis of the woman writing characteristic components in Novels "Parande Man" (My Bird) and "Mahiha

dar Shab Mikhaband" (Fish Sleep at Night). *Literary Criticism and Rhetoric*. 1, 51-70. [In Persian].

- Hosseini, S.Gh. (2000). Biological differences between men and women: Body, mind, intelligence. *Critic Book*, 17. Available from:
- <http://ensani.ir/fa/article/68144>. Accessed 21/05/2020. [In Persian].
- Khayatan, L. (2018). The study of the demands of women in the works of female writers from the Constitutional revolution until the islamic revolution. *Research in Narrative Literature*, 25, 37-49. [In Persian].
- Manafi Anari, S., & Ghodrati, M. (2009). The role of translator gender in the accuracy of translation. *Foreign Languages Research*. 54, 143-155. [In Persian].
- Mahmoodi-Bakhtiari, B., & Deghani, M. (2014). The relationship between language and gender in contemporary Persian Novels: A study of six works. *Woman in Culture and Art Journal*. 4, 543-556. [In Persian].
- Moradi, M., & Bahrani, M. (2016). Automatic gender identification in Persian text. *Signal and Data Processing*, 26, 83-94. [In Persian].
- Nikoubakht, N., Dasp, A., Bozorg Bigdeli, S., & Monshizadeh, M. (2012). The feminine style in Zoya Pirzad's works: An analysis on the basis of feminist stylistics. *Literary Criticism*. 18, 119-152. [In Persian].
- Roudgar, N. (2009). *Feminism: History, Views, Attitude and Criticism*. Qom: Woman and Family Research Center. [In Persian].
- Serailoo, Z. (2018). *A comparative analysis of female style in Ghadah Samman's stories and Zoya Pirzad's stories* (M.A. Thesis on Arabic Language and Literature). Mohaghegh Ardabili University. [In Persian].
- Seraj, A. (2018). The establishment of communities of practice among Iranian female writers: A study on selected works". *Studies on Literary Theory and Genres*. 5, 43-66. [In Persian].
- Sharififar, M., & Zand, F. (2013). The effect of woman's language and cultural-gender attitudes on translation. *Language and Translation Studies Quarterly*, 3, 143-

165. [In Persian].

- Shoaibi, F. (2013). *Differences between Men & Women*. Tehran: Free e-books. [In Persian].
- Taghadomi Noghani, Z., & Ezzati. E. (2016). Analyzing the characteristics of female language in contrast to male language. *Fiction Studies*, 1, 25-38. [In Persian].
- Taheri, Gh. (2009). Unconfirmed language: *Reality or illusion*. *Literary Text Research*, 42, 87-107. [In Persian].
- Talaei, M., & Talaei, M. (2018). The consideration of Ellen Schwalter's aspects of feminism critic in "Noghreh Dokhtare Daryaye Cabol" Written by Homeyra Ghadery". *Research in Contemporary World Literature*, 2, 433-460. [In Persian].
- Tarjoman Porshkoh, N. (2018). *Images of contemporary women in the mirror of the Works of Zoya Pirzad and Katherine Pancol*. (Doctoral dissertation on general & comparative literature). France: Sorbonne Nouvelle University, Paris Cité 1. Available from: [https:// tel.archives- ouvertes.fr/](https://tel.archives-ouvertes.fr/) (Accessed January 25, 2020) [In French].